

سید داوود مصباح

Saturday, February 21, 2026

گذرگاه خطرناک تاریخ

قسمت چهل و سوم



CPEC

نوع پروژه : دالان اقتصادی

اهداف : جاده ، خطوط راه آهن ، تولید انرژی ، ترابری کالا ، احداث بندر مدرن واحداث فرودگاه

مسیر جاده : پاکستان ، بلوچستان ، گلگت ، بلتستان ، خیبرپختونخواه ، پنجاب ، سند ، چین ؛ سین

کیانگ تاریخ : ۲۰ اپریل ۲۰۱۵

هزینه : ۵۴ میلیارد دلار امریکائی .

این پروژه بین سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ با برنامه اجرایی و ایجاد بیش از ۲ میلیون شغل ، کار خود را آغاز کرد . چین متعهد گردید که علاوه بر خط آهن سین کیانگ تا بندر گوادر ، تمام خط های آهن پاکستان را به ارزش ۶ میلیارد و ۸۰ میلیون دلار باز سازی نماید .

قرار خیرگزاری ایرنا ۲۷ شهریور / سنبله ۱۴۰۴ خ / سپتمبر ۲۰۲۵ در سفر « لی چیانگ » نخست وزیر چین به اسلام آباد ، فرودگاه بین المللی گوادر طور مجازی افتتاح گردید .

اهمیت این بندر (گوادر) بحیث منطقه آزاد که توسط پاکستان اعلام گردید و ارتباط چین به دریای عمان در حقیقت یک شاخه ای از یک کمربند و یک جاده یعنی جاده ابریشم دریایی است . در بندر گوادر به ادامه پروژه یک دانشکده « مهارت حرفوی » و یک بیمارستان به کمک چین در ۱۶ سپتمبر ۲۰۱۹ در گوادر آغاز شد . دانشکده حرفوی فنی در مساحت ۷۵۰۰ مترمربع شامل کلاس های درسی ، آزمایشگاه ، کتابخانه و خوابگاه دانش آموزان و اساتید . بیمارستان به مساحت ۱۲ هزار مترمربع با ظرفیت ۲۵۰ تخت . این پروژه علاوه بر خطوط ریلی و جاده ای عظیم و برقراری مبادلات کالایی و تجارت ، برای بهبود زندگی خلق های پاکستان به افغانستان هم دارای اهمیت اقتصادی و ارتباطات جاده ای است . از قرار اعلام « گوادر » بحیث منطقه آزاد تجاری و اقتصادی ، برای افغانستان این بندر بسیار مفید و نزدیک به قندهار است . چون سیاست چین در طول تاریخ به ویژه در عصر حاضر صرف اقتصادی و فنی بوده و می باشد و ماهیت صلح جویانه و برابری طلب با تمام خلق های جهان است ، برای انکشاف منطقه بسیار سودمند و با ارزش می باشد . این مربوط به کشور های منطقه است که به چه اندازه می توانند از ظرفیت اقتصادی و تکنولوژیکی و فنی چین برای رشد شان استفاده نمایند .

با حضور بندر گوادر برای افغانستان محاط به خشکه بندر چابهار نیز دارای اهمیت ترانزیتی و تجارتي بوده و می باشد . اگر افغانستان بتواند بندر آقینه ، چابهار و گوادر را با جاده و خط آهن متصل سازد ؛ افغانستان به رشد لازم اقتصادی و فنی و بحیث یک چهارراه تجارتي از اهمیت خاصی برخوردار می شود .

آیا امپریالیسم این را می گذارد ؟

نقشه ای را که در بالا آورده شده ، نقشه ساز ما اطلاعاتی سرمایه داری امپریالیستی امریکاست . به امتداد جاده و خط آهن سین کیانگ و بندر گوادر روی نقشه با خط درشت نوشته شده : « **مسدود کردن دسترسی چین به انرژی خلیج فارس** » می بینید برای مسدود کردن این پروژه منطقه را به ذم خود شان از نو تقسیم و تجزیه کرده اند . پاکستان جدید ، بلوچستان آزاد و تجزیه افغانستان به خراسان و نیو افغانستان (!) و دیگر جزئیات مخریانه ای سازمان جاسوسی امپریالیست ها (سیا) را روی نقشه ملاحظه می فرمایید . اکنون برای هیچ کسی پوشیده نیست که سرمایه داری امپریالیستی امریکا تمام بازار های جهان را برای خود می خواهند و « **سلطه و تابعیت** » اصل اساسی و خصلت کثیف این اژدهای بی دم است ، به ویژه خاورمیانه را به آتش خون کشانیده تا تسلط خود را بر آن مستدام سازند . این که تمام تجهیزات و سامانه های جنگی را به گروه تروریستی در افغانستان جاگذاشت و آنان را تمویل مالی می کنند ، برای چیست ؟ ! برای « **سلطه و تابعیت** » این که تا کنون جاده و خط آهن سین کیانگ و گوادر با وجود تکمیل بودنش اجرایی نمی شود وجود همین گروه های رنگارنگ تروریستی و انتهای می باشد . در این معامله منافع سرمایه داری امریکا و رقابت شدید سرمایه داران امریکا با چین است . در این رقابت دولت امریکا که نماینده سرمایه داران و شرکت ها و بانک های سرمایه داران است برای حفظ بازار های جهانی در این قسمت درست در مقابل توسعه ای تجاری و خطوط ارتباطی چین در منطقه قرار گرفته است . در گذشته این رقابت ها تا حدودی با ملاحظیات دیپلماتیک و حقوقی در لافاه قوانین و رسوم بین المللی ادامه می یافت ، اکنون مستقیم و آشکار بدون کوچکترین ملاحظیات حق تعیین سرنوشت ملل و کنوانسیون های ملل متحد دولت امریکا که نماینده سرمایه داری یا به عبارت روشن قوای اجرایی سرمایه داران امریکاست در مقابل روابط و توسعه های چین می ایستد و روی نقشه واضح مطرح می کند که جلو توسعه

و روابط اقتصادی چین را می‌گیرد. این که در این رقابت کشورهای که تلاش برای توسعه و انکشاف اقتصادی خود را دارند به شدت صدمه می‌بینند، برای رویکرد های ملیتاریستی و تروریستی دولت آمریکا کوچکترین تأثیری ندارد. در این راه گیری بیشترین زیان و آسیب به افغانستان وارد می‌گردد چون این کشور محاط به خشکه است و چابهار و گوادر برای افغانستان حیاتی است. اما در برابر منافع سرمایه داری حریص آمریکا کشورها و مردمان آن کوچکترین ارزشی ندارد. اکنون دونالد ترامپ چهره ای واقعی امپریالیستی آمریکا را باز کرده است، حتی توده های روستایی افغانستان و منطقه جهان هم این چهره پر حرص و آز سرمایه داری امپریالیستی آمریکا را می‌بینند و می‌شناسند اما آمریکا به این رسوایی های بیش‌رمانه خود توجه ندارد و با تمام ترفند و راه کار های اقتصادی و سوداگرانه به منافع خود چسبیده اند، چین را یک مانع عمده در راه منافع و غارتگری های خود در خاورمیانه و جهان کنونی می‌بینند. چین با قدرت نرم و سرمایه داری آمریکا با قدرت سخت در مقابل هم قرار گرفته. اهداف اساسی چین ارتفاع سطح توانمندی اقتصادی برای فقر زدایی کامل و رفاه خلق های چین و کشورهای طرف مرزها با چین است. اما بل مقابل سرمایه داری امپریالیستی برای غارت بیشتر منابع و ثروت و انباشت بیشتر سرمایه است به هر قیمت و پی آمدو آسیب های انسانی و اجتماعی و جانی به بشریت. بطور مثال: چند ابر سرمایه دار آمریکایی شرکت های تولید جنگ افزار های کشتار جمعی مدرن را اداره می‌کنند و به تولید انبوه می‌پردازند؛ دولت آمریکا ملزم به دریافت بازار برای فروش آن می‌سازد. این دولت های که با هزینه های میلیارد دلاری آنها به کاخ سفید پا گذاشته اند راهی جز ایجاد جنگ و هراس اندازی و دهشت ندارد. به این اساس چین هر اسی هم یک گزینه بوده می‌تواند. چین در مناسبات تجاری بطور سنتی توازن و منافع متقابل را رعایت می‌نماید، در صورتی که آمریکا منافع یک جانبه را لحاظ می‌نماید. سرمایه داران امپریالیست آمریکایی نه تنها که منافع یک جانبه بلکه منافع انحصاری منابع را میخواهند داشته باشند. مثل انحصار بر نفت و گاز و سایر منابع زیر زمینی کشورهای خاورمیانه، آمریکای جنوبی و آفریقا. به فرموده « سمیر امین »: « انحصار های جهانی و سلطه گر؛ انحصار های در عرصه های فن آوری، منابع طبیعی (نفت و کانی ها)، منابع مالی (سلطه پول)، رسانه ها و تسلیحات. » ۲

سرمایه داران آمریکا با این همه انحصار منابع و سلطه بر جهان چرا از چین هراس دارند؟! به این دلایل است که دکتور مرتضی محیط در صحبت تلویزیونی پیام افغان فرمودند: « چین از لحاظ فن آوری و تولیدات در سطح جهان پیشی گرفته است. بطور مثال: تولید در سطح جهان؛ لباس ۳۵ درصد موبایل ۵۳ درصد، اسباب بازی ۵۵ درصد، کفش ۶۳ درصد، وسایل مسافرت ۷۳ درصد، اولین تولید کنندگان جهان ۲۰ درصد، تولید صنایع الکترونیک ۴۹ درصد، اولین تولید کننده ماشین/ موتور/ برقی و لوازم و ملحقات آن است. مزد مزیای کارگران صنعتی در ۲۰۰۴ پانزده هزار یوان و در سال ۲۰۲۱ نود و دو هزار یوان افزایش داده است.

سهم کشورهای تولید صنعتی جهان

چین در سال ۲۰۰۴، هشت درصد تولید جهان را داشته، در سال ۲۰۲۰، سی درصد تولید جهانی. جاپان در ۲۰۰۴، ۱۳ درصد تولید جهان و در ۲۰۲۳، ۷ درصد. اروپا در ۲۰۰۴، ۲۵ درصد. در ۲۰۲۳، ۱۶ درصد. آمریکا در ۲۰۰۴، ۲۳ درصد، در ۲۰۲۳، ۱۶ درصد. هند در ۲۰۰۴، ۲ درصد، در ۲۰۲۳، ۴ درصد. سرعت قطار در هند ۴۵، کیلومتر در ساعت، در آمریکا ۵۰، کیلومتر و در چین ۲۶۰، کیلومتر در ساعت می‌باشد.» ۳

انقلاب سلیکون؛ ۹۲ درصد ریز تراشه ها در تایوان تولید می‌شود. وقتی که ترامپ از کمپانی تولید کالای الکترونیکی خواست که سرمایه و کارخانه ای خود را از چین به داخل آمریکا منتقل کند؛ وی از جیب

خود یک تراشه را در آوردو گفت تمام تولید ما به این تراشه نیاز دارد وما این را در امریکا نمی توانیم تولید کنیم و تولید آین در دست چین است.

اکنون در بسیاری از بخش های نیازمندی ها ورشد اقتصادی، تجارت، رفاه اجتماعی ، صحت و امنیت غذایی، خدمات شهری و میطی وسلامت؛ چین از امریکا به مراتب پیشی گرفته. درچین هشت صدمیلیون انسان از خط فقر به متوسط آورده شده و این در حالی است که در ایالات متحده امریکا میزان فقردر سال ۲۰۲۲ نزدیک به ۴۸درصد رسیده ونامنی غذایی ۹۲درصد می رسد. بر اساس ارقام جدید ۵۰درصد اطفال در امریکا به مرض چاقی وسی درصد مشکل چربی بالای تروئید دارند. این مطلب در صحبت آقای کندی وزیر صحت امریکا آمده است . اکنون ایالات متحده امریکا با قلدری وتوطئه نمی تواند جلو رشد چین رابگیرد، چین با سرعت به شاخص های بالای رشد وتوانمندی اقتصادی و فنی رسیده. نیویورک تایمز ۱۸ نوامبر ۲۰۱۸ می نویسد: « چین با چنان سرعتی صعود کرده است که امکان ارتقاع زندگی اجتماعی درآنجا به مراتب از ایالات متحده بالا تر است. چین اکنون از جهت صاحب خانه بودن، استفاده از انترنت وشمارفارغ التحصیلان دانشگاهی مقام اول در جهان را دارد. فقر کاملبه کمتر از یک درصد کاهش یافته است. شمار فارغان دانشگاهی در رشته های علوم ومهندسی بیش ازفارغ التحصیلان کشورهای امریکا، جاپان، کره جنوبی وتایوان در این رشته ها است. دانش آموزان چینی از نظر سطح دانش سرآمد دانشجویان جهان است.» درآمد فقیر ترین افراد چینی میان سالهای ۱۹۸۰تا۲۰۱۴، ۱۶۰۰٪ افزایش یافت، درمقایسه، درآمدفقیر ترین اقشاردر ایالات متحده در همین فاصله ۵۰٪ کاهش یافته ودرآمد ثروتمند ترین قشر ۲۵۰٪ افزایش یافت. ۸۰۰ میلیون چینی از فقر بیرون آمده اند که بیش از دو برابر جمعیت امریکا است. امید به زندگی (طول عمر) آن های که در سال ۲۰۱۳ به دنیا آمده اند ۷ سال بیش از آن های که در سال ۱۹۹۰ به دنیا آمده اند زندگی خواهند کرد، زنان ده سال بیشتر. تولید سرانه ناخالص داخلی در ۲۰۰۸ ، ۲۵۰۰ دالر بود ودر ۲۰۱۸ ، به ۱۲۰۰۰ دالر رشد داشته. « ۴ مطلب بالا از نیویورک تایمز روزنامه مرجع امریکاست.

دولت امریکا مربوط به الیگارش ها و سرمایه داران است نه دولت مردم امریکا. همان طوری که در قرن های گذشته انگلیس در اوج سرمایه داری وغارت کشورهای جهان؛ مردم در شهرهای بریتانیا در انتهای فقر و گرسنگی و امراض وکارطاعت فرسای ۱۲ساعت در روز و کارکودکان و زنان با حد اقل دست مزدی که حداقل غذای ساده ای شان را تأمین نمی کرد د، دست و پا می زدند . بعد از چنگ دوم جهانی که امریکا (دولت سرمایه داران) به ثروت و صنعت دست یافت، اما مردم امریکا با زندگی سخت دست و گریبان بودند و هستند. برای حکومت در سایه یعنی حکومت پنهان امریکا تفاوت نمی کند که جمعیت میلیونی زیر خط فقر در شهرهای امریکا چه می شود، دولت به حیث قوه اجرائیه ستاد سرمایه داران وشرکت های تولید سلاح های مخرب ودارو، بازاریابی داشته باشد ولوبا نابودی میلیون ها انسان و تخریب زیر ساخت های کشورهای دارای منابع طبیعی و بازار. به هر وسیله ای باید منابع و بازار در اختیار سرمایه داران امریکا قرار گیرد. دولت امریکا قوه اجرائیه وال استریت می باشد ووظیفه دارد که برای تسخیر منابع وتسلط بر بازار از هر گزینه ای استفاده نماید. گزینه نظامی، گزینه نرم (جاسوسی) و دیپلماسی و تضمین یا تهدیدوار عاب. خاورمیانه وامریکای جنوبی به ویژه نفت وینزولایا. یکی از گزینه ها همان گزینه از طریق (سیا) وراه اندازی کودتاها درکشورهای به اصطلاح خود شان ، یاغی می باشد. درراه اندازی کودتاها و براندازی دولت های ملی وبرسر قدرت آوردن دست نشانده ها و خرید شادگان شان اند. منجمله کودتادر وینزولایا: « امروز چهارشنبه ۲۳جنوری ۲۰۱۹،

عده چند هزار نفری مخالفین دولت «نیکلاس مادرو» به رهبری «خوان گوایدو رئیس مجلس ملی وینزویلا» به خیابان آمدند و در شامگاه این روز در جمع تظاهر کنندگان بیانیه داد و خود را رئیس جمهور موقت وینزویلا اعلام کرد. بلا درنگ «دونالت ترامپ» آن را به رسمیت شناخت و به تعقیب آن کانادا، برازیل، آرژانتین و پرو، «گوایدو» را به رسمیت شناخت.

«مادرو» نیز در خیابان در جمع تظاهر کنندگان حامی دولت حضور یافت و این کودتا را ناکام و مردود اعلام کرد و در ضمن اعلام داشت که رسماً روابط دیپلماتیک با آمریکا را قطع و برای دیپلمات های آمریکا ۷۲ ساعت وقت تعیین کرد که خاک وینزویلا را ترک کند. دوساعت بعد «پمپئو» وزیر خارجه آمریکا تی اعلامیه ای گفت که دیپلماتهای خود را از وینزویلا خارج نمی سازد و «گوایدو» را بحیث رئیس دولت وینزویلا به رسمیت می شناسد.

وزیر دفاع وینزویلا طی بیانیه ای اعلام داشت که «گوایدو» را بحیث رئیس جمهور نمی شناسد و نیکلاس مادرو رئیس جمهور قانونی و برحالی کشور است. تاکنون ۴۰ تن از مقامات کلیدی ارتش که چمدان های پر از دالر امریکایی را دریافت کرده اند بازداشت گردیده است. کیوبا، بولوار ی، مکزیک، روسیه، چین، ترکیه، سوریه و ایران، این تلاش برادار یومداخله آمریکا را محکوم و از دولت «مادرو» اعلام حمایت کردند و حتی روسیه از مداخله به امور وینزویلا اخطار داد.

سیاست حکومت امپریالیستی آمریکا قبل از دونالد ترامپ کمی در لباس دیپلماتیک و با ملاحظه لازم اتخاذ می شد، اما با دور اول و دوم ریاست جمهوری ترامپ دیگر ملاحظات سیاسی و دیپلماتیک کنار گذاشته شده و بدون کوچکترین ملاحظات جهانی و بین المللی منافع مستقیم سرمایه داران آمریکا مطرح است. یعنی منافع شرکت های سلاح سازی، داروسازی، مواد مخدر، تأمین انرژی، منابع معدنی، مدیریت تروریسم (لشکرهای نیابتی در خاورمیانه)، مدیریت خاورمیانه عربی، زمینه سازی برای اسرائیل بزرگ، تجزیه و کوچک ساختن کشورها در خاورمیانه به ویژه تجزیه ایران و افغانستان حتی پاکستان، تبدیل اسرائیل به ژاندارم خاورمیانه، کنترل بر منابع نفتی خاورمیانه و وینزویلا، سد چنبش های کارگری و چپ، حفظ قدرت دالر مبارزه علیه تجارت، سرمایه گذاری و نفوذ چین در جهان به ویژه خاورمیانه و آمریکای جنوبی، پیشروی ناتو در اطراف فدراتیف روسیه، حفظ هژمونی امریکا و برنامه ای گسترش سلطه بر جهان. سلطه بر بازار منابع.

یک نمونه از ترامپ چهره عریان امپریالیسم آمریکا: آمریکا (ترامپی) به عراق فشار وارد کرده بود که پنجاه درصد نفت عراق را تصاحب کند. پارلمان عراق فیصله کرد که عادل عبدالمهدی نخست وزیر عراق به چین سفر کند و با حکومت چین قرارداد فروش نفت را امضاء نماید. نخست وزیر عراق پنجم جنوری ۲۰۲۰ به چین سفر کرد و عادل عبدالمهدی چنین اظهار کرد: «علت این که به چین سفر کردم این بود که امریکا از بازسازی زیر ساخت های عراق خوداری می کرد و پنجاه درصد نفت عراق را می خواست، یعنی روز سه میلیارد دالر رami خواست از عواید روزانه نفت عراق را تصاحب شود. پس از برگشت از چین ترامپ به من تلفن زد و مرا تهدید کرد که باید قرارداد با چین را فسخ کنم وگرنه تظاهرات علیه تو به راه خواهم انداخت. چنین تظاهراتی علیه من به راه افتاد. ترامپ دوباره به من زنگ زد و گفت؛ دستور خواهم داد که تک تیر اندازی از پشت بام هابه تظاهر کنندگان تیر اندازی کنند تا فشار بیشتری به من وارد کند، من باز هم زیر بار فشار نرفتم و استعفا دادم؛ با آنهام ترامپ به من تلفن کرد و گفت: «هرگا خودت و وزیر دفاع از تک تیر انداز ها سخن بگوید، شما کشته می شوید...» ۶

این است چهره عریان امپریالیست های آمریکا و حکومت ابرسرمایه داران آمریکا. از جنگ دوم

جهانی تا اکنون هزاران ترفند برای سلط بر جهان را امپریالیسم امریکا به کار گرفته، ولی انکار می کردند. « دونالد ترامپ» از ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ دور اول ریاست جمهوری و اکنون در دور دوم بدون کوچک ترین ملاحظاتی مستقیم علیه بشریت و به سود سرمایه داران و تراست ها اعمال سلطه می نماید. به گفته « جفری دی ساکس»: « دولت ترامپ قلباً امپریالیستی است، ترامپ آشکارا معتقد است که قدرت های بزرگ بر جهان تسلط دارند. ایالات متحده بی رحم و بدبین خواهد بود و بلی در برابر اروپا نیز. به واشنگتن التماس نکنید. این کمکی نخواهد کرد. احتمالاً این بی رحمی را تحریک می کند...»^۷

ترامپ که خود سرمایه دار و عضو فعال باشگاه اندیش کده سرمایه داران در وال استرییت است؛ به وضاحت چهره اصلی امپریالیسم را به جهان معرفی می کند. بدون ملاحظاتی افکار عمومی از سرمایه داری حمایت می نماید. یک نمونه فرمان سوم اپریل ۲۰۲۵، بود که طی آن معافیت تعرفه ای برای شرکت ترانسپورتی بحری « رودف سده » صادر کرد. این شرکت با ۱۶۰ هزار کارمند و ۷۵۰ کشتی کانتینری جدیداً با سرمایه گذاری ۲۰ میلیارد دلاری می کند. بگذارید به این تمام کنیم که بشریت بطور مستقیم با سرمایه داری امپریالیستی رو در رو می باشد. امپریالیسم به مرحله ای رسیده که حیات درسیاره مارا تهدید می کند. در گزارش ۱۹ جنوری ۲۰۲۶، سازمان غیر دولتی **آکسفام** در آستانه مجمع اقتصادی داووس، درباره شتاب گیری بی سابقه تمرکز ثروت در جهان از گزارش « **ریچارد ای روبنشتاین** » چنین می خوانیم: « نفوذ روز افزون **الیگارش میلیاردرها** بر رسانه ها، فن آوری های نوین و تصمیم گیری های سیاسی می تواند بنیاد های دموکراسی (که اگر وجود داشته باشد) را تضعیف کند. ثروت میلیاردرها در سال ۲۰۲۵، بیش از ۱۶ درصد افزایش یافته، مجموع ثروت میلیاردرهای جهان به ۱۸ هزار و سه صد میلیارد دلار گذشته و تعداد میلیاردرها از مرز سه هزار نفر عبور کرده و تنها ثروت ایلان ماسک به مرز ۵۰۰ میلیارد دلار رسیده است؛ این در حالی است که میزان فقر در سال ۲۰۲۲، نزدیک به ۴۸ درصد جمعیت جهان معادل ۳ میلیارد و ۸۳۰ میلیون نفر رسید. همچنان افزایش ۶/۴۴ درصدی ناامنی غذایی متوسط تا شدید بین سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴، این ناامنی به کشورهای ثروتمند هم رسیده؛ به گونه ای که ۹۲ میلیون نفر در اروپا و امریکای شمالی درگیر ناامنی غذایی بوده اند.»^۸

امنیت رسانه ای: در گزارش آکسفام چنین آمده است: « بیش از نیمی از شرکت های بزرگ رسانه ای در جهان در مالکیت میلیاردرها قرار دارد. ۹ مورد از ۱۰ شبکه اجتماعی بزرگ نیز توسط میلیاردرها اداره می شود؛ بطور مثال: در فرانسه ۱۰ میلیارد بخش عمده ای رسانه های کشور را در اختیار دارند و چهار نفر از آن ها نزدیک به نیمی از شبکه های تلویزیونی را کنترل می کنند. آکسفام از جمله به نقش چهره های مانند ونسان پولوره و برنارد آرنو اشاره می کند. به فرموده داکتر احسان نوزری: « تنها ۴۰۰ میلیون دلار از جانب میلیاردرها صرف تلویزیون ها و رسانه های فارسی زبان می شود...» اکنون بشریت امنیت غذایی ندارد. امنیت دارویی هم ندارد امنیت جانی و مالی ندارد. این ها تیوری توطئه نیست. هر بخشی را در اینترنت سرچ کنید معلومات کافی در اختیار قرار می دهد. رسانه های اطلاعات جمعی در امریکا و اروپا به باشگاه های تبلیغات کالا های تولیدی و تجارتي تبدیل گردیده است.

اکنون شرکت های جهان سرمایه داری بدون محدودیت جنگ فزار و مخرب ترین سلاح کشتار جمعی تولید می نمایند. دولت های امپریالیستی هم بیشترین بودجه را به بخش نظامی تخصیص می دهند. به فرموده داکتر احسان نوزری: « ما در دام یک مثلث شیطانی هستیم که یک ضلع آن شرکت های بزرگ و در ضلع دیگر نهاد های امنیتی و اطلاعاتی و در ضلع سوم رسانه ها است

که تنها ۵۰۰ میلیون دالر سالانه خرج رسانه های فارسی زبان می کنند ... » ۹ ادامه دارد--
منابع:

- ۱ - (سیا) طرح اندیشکده وال استریت، نقشه ، ۸ جون ۲۰۱۳، نشر برای چند ساعت محدود.
- ۲ - د. سمیرامین ، ویروس لیبرال، جنگ دایمی وامریکائی کردن جهان، برگردان فارسی : د.ناصر زرافشان ، ۱۳۸۶خ.
- ۳ - د . مرتضی محیط ، صحبت درتلویزیون پیام افغان، ۳۰ سپتمبر ۲۰۲۳ .
- ۴ - نیویورک تایمز ، ۱۹ نوامبر ۲۰۱۸، برگردان فارسی: د.مرتضی محیط.
- ۵ - د. مرتضی محیط، صحبت داکتر مرتضی محیط، درتلویزیون پیام افغان.
- ۶ - عادل عبدالمهدی ، یاد داشت از سخنان ایشان توسط داکتر مرتضی محیط ، ۱۸ جنوری ۲۰۲۰.
- ۷ - پروفیسر جفری ساکس، سخنرانی درپارلمان اروپا، برگردان فارسی: پوهندوی داکتر سیدحسام مل، نشر: اخبارکنسرسیوم، ج ۳۰، شماره ۶۱، شنبه اول مارچ ۲۰۲۵ .
- ۸ - ریچارد روبنشتاین ، دفاع از آزادی در برابر ابر قدرت میلیاردرها، نشر: اکسفام، متن فارسی در سایت اخبارروز سایت چپ، ۲۲ جنوری ۲۰۲۶.
- ۹ - د. احسان نوزری، صحبت درتلویزیون ، دانش ، بینش و آزادی ، با داکتر حبیب ریاضتی، ۲۰ دسمبر ۲۰۲۴.